



مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۰
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۴/۰۵
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۱
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۵/۰۱
صص: ۲۱۳-۲۳۹

شابا جایی: ۶۹۷۲-۲۲۵۱
الکترونیکی: ۵۱۹۶-۳۶۴۵



مبانی فلسفی آموزه‌های تربیتی وصیت‌نامه شهید حاج قاسم سلیمانی

معصومه سالاری‌راد^۱

چکیده

وصیت‌نامه شهدا بدلیل معرفت باطنی آن‌ها مبتنی بر مبانی فلسفی عمیقی است. هدف این مقاله کشف مبانی فلسفی آموزه‌های تربیتی مندرج در وصیت‌نامه شهید حاج قاسم سلیمانی جهت ارائه راهکارهای تربیتی است. پژوهش حاضر بنیادی و روش مطالعه از نوع توصیفی و تحلیلی می‌باشد. بیان مبانی فلسفی آموزه‌های تربیتی و سیره عملی شهید سلیمانی در کشف اصول تربیتی شاخص و مقابله با تغییرات فرهنگی و شناختی موجود در جامعه ضرورت دارد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد در وصیت‌نامه شهید سلیمانی به لحاظ هستی‌شناسی، خداوند مبدأ هستی، یگانه رب موجودات و صرفاً وجود او مستقل است و انسان هم‌چون سایر موجودات، عین فقر و نیاز مطلق به خداوند است. انسان با توجه به فطرت خداجو و اراده خویش و با عنایت به نعمت‌های الهی، قادر به کسب کرامتی است که با آن می‌تواند مصداقی از اسوه‌های الهی در مسیر تعالی و رشد سایر انسان‌ها قرار گیرد؛ مسأله معرفت یقینی شهید، نقش امید، و عوامل معرفت‌بخشی چون گریه بر اهل بیت پیامبر(ص) از مهم‌ترین مبانی معرفت‌شناختی آموزه‌های تربیتی وصیت‌نامه اوست. توجه ایشان به مسأله حیات طیبه و ارزش‌های اخلاقی ازجمله مبانی ارزش‌شناختی تربیت در وصیت‌نامه ایشان است.

کلیدواژه‌ها: تربیت، حاج قاسم سلیمانی، وصیت‌نامه، ارزش‌شناختی، هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی

Salarirad2022@pnu.ac.ir

۱. استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

استناد: سالاری‌راد، معصومه. (۱۴۰۴). مبانی فلسفی آموزه‌های تربیتی وصیت‌نامه شهید حاج قاسم سلیمانی، پژوهش در مسائل

تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۱۳-۲۳۹. DOR:20.1001.1.22516972.1404.33.67.7.9

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.



بیان مسئله

واژه شهید، مفرد شهداء و از نامهای خداوند متعال است. شهید به معنای کشته شده در راه خداست به جهت آن که خداوند علیم و فرشتگانش بر او شاهد هستند (فرهنگ فارسی عمید و معلم ذیل واژه شهید). این واژه از ریشه شهود و شهادت گرفته شده است و به معنای حضور است. شهید علم حضوری دارد و همه چیز را به صورت حضوری مشاهده می‌کند (حسینی سیقانی، ۱۳۶۴: ۱۶). مرسوم است که انسان‌ها قبل از سفر از این دنیا به دیار باقی، سفارش‌ها و توصیه‌های خویش به بازماندگان را در قالب وصیت‌نامه برجای می‌گذارند. شهدا نیز قبل از شهادت خویش این اثر را از خود به جا می‌گذارند. وصیت‌نامه به لحاظ فقهی و حقوقی سند معتبری است که متوفی قبل از مرگ خویش نوشته و در آن سفارش‌هایی به افراد و بستگان خویش نموده است که بعد از وفاتش باید به آن وصایا عمل کنند. در طول تاریخ اسلام، شهدا متناسب با فرهنگ اسلامی و مبانی ایدئولوژیک خویش قبل از شهادتشان وصیت‌نامه‌های خود را تنظیم و تدوین نموده‌اند. بعد از شهادت، وصیت‌نامه‌های آنها منتشر و معین شده است که این اسناد برجای مانده از شهدا، مملو از نکات ارزشمند اعتقادی، اخلاقی و ارزشی می‌باشد. وصیت‌نامه شهدا در برخی از ویژگی‌ها مانند سفارش به دیگران، مختصر شباهتی با وصیت‌نامه‌های فقهی و حقوقی دارد، لیکن کاملاً منطبق با هیچ‌یک از وصیت‌نامه‌های فقهی و حقوقی نمی‌باشند (فهیمی، ۱۳۷۶: ۲۳۰).

وصایای شهدا مهم‌ترین سند ناظر به ادبیات پایداری و دارای جلوه‌های مهم زیباشناختی می‌باشد. این اسناد آینه آرمان‌ها و عقاید رزمندگانی است که سعی داشته‌اند برای مخاطبان خویش تبیین نمایند که چرا و با چه هدف و نیرویی در جبهه حضور یافتند و انتظار آنها از بازماندگان و نسل‌های آینده چیست (دبیری، ۱۳۹۴: ۲۸). شهید حاج قاسم سلیمانی فرمانده تراز و شجاع امت اسلامی است که در عرصه نظامی در سراسر دنیا شناخته شده است. شخصیت والای ایشان از جوانب متعدد قابل بررسی و الگوسازی به جامعه جهانی است. عشایر زاده‌ای که از خانواده‌ای فقیر و با کم‌ترین امکانات رفاهی، با اراده‌ای استوار به جایگاهی نائل می‌شود و به گونه‌ای در سطح ملی و بین‌المللی تأثیرگذار می‌گردد که سران مستکبر جهان حضور او را تاب نیاوردند و اقدام به ترور وی نمودند. وصیت‌نامه ایشان، سندی زنده است که لابلای مطالب و

مفاهیم نگاشته شده در آن، معانی و آموزه‌های تربیتی به وضوح دیده می‌شود. این نوشته که نمایانگر عظمت روح و تقوای بی‌بدیل این شهید والامقام است، از جوانب متعددی قابل بررسی می‌باشد. این سند به گونه‌ای نگاشته شده است که تک‌تک سطرهایش قابلیت تحلیل عرفانی و عقلی دارد. به جهت جایگاه ویژه ایشان در میان مردم، سبک زندگی و اسلوب رفتاریش، نمونه عینی و الگوی مؤثری در حیطه تربیت و اصلاح رفتارهای تربیتی در سطح مدارس، دانشگاه‌ها و مراکز تربیتی، در میان آحاد جامعه و بالخصوص جوانان و نوجوانان می‌باشد. تربیت وسیله تعالی وجود انسان و اصلاح رابطه وی در سه ضلع خود، خدا و جهان است. یکی از راههای رسیدن به تربیت مطلوب همانا تربیت شناختی فرد است که در این زمینه توجه به مبانی فلسفی تربیت و شناسایی و تقویت آن‌ها مطلوب‌ترین شیوه در جهت تحقق اهداف اساسی تربیت است. استخراج مبانی فلسفی آموزه‌های تربیتی الگوهای برجسته اخلاقی در این راستا تأثیرگذار است.

در این نوشتار سعی شده است تا مهم‌ترین مبانی آموزه‌های تربیتی وصیت‌نامه شهید سلیمانی، استخراج و به رشته تحریر درآید. سوالات اصلی این پژوهش عبارتند از ۱- کدامیک از آموزه‌های تربیتی وصیت‌نامه شهید حاج قاسم سلیمانی ذیل مبانی هستی‌شناختی قرار می‌گیرد؟ ۲- مهم‌ترین مبانی معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی آموزه‌های تربیتی وصیت‌نامه شهید حاج قاسم سلیمانی کدام است؟ باتوجه به سؤال‌های پژوهش، این تحقیق از نوع بنیادی و دارای رویکرد توصیفی است. این نوشتار باتوجه به این فرضیه که در وصیت‌نامه شهید حاج قاسم سلیمانی مبانی فلسفی ارزنده‌ای در راستای تربیت وجود دارد، برخی از مهم‌ترین این مبانی تبیین و تحلیل شده است.

این پژوهش به منظور شناسایی مبانی فلسفی آموزه‌های تربیتی شهید حاج قاسم سلیمانی، گردآوری داده‌ها براساس روش بررسی منابع موجود در کتابخانه‌ها و با مراجعه به وصیت‌نامه شهید صورت گرفته است. هدف از این پژوهش، شناخت بیشتر و بهتر ابعاد شخصیت شهید حاج قاسم سلیمانی است. به فرمایش رهبر فرزانه انقلاب: «هر چیزی که یاد شهید عزیز ما (سردار سلیمانی) را برجسته کند، چشم‌نواز و دلنواز است. یاد او را اگر چه خداوند در اوج برجستگی قرار داد و بدین‌گونه پاداش دنیایی اخلاص و عمل صالح او را بدو هدیه کرد، ولی ما هم هر کدام وظیفه‌ای داریم.» (یادداشت رهبر انقلاب پیش از مطالعه کتاب زندگی‌نامه خودنوشت شهید

سلیمانی ۱۳۹۹/۱۰/۱۴) مضافاً این که برای درونی‌سازی الگوهای رفتاری و آموزه‌های تربیتی شهدا در راستای تربیت نسلی بهنجار و مقابله با تغییرات شناختی، فرهنگی و اجتماعی ناخواسته، شناخت مبانی فلسفی آموزه‌های تربیتی و سیره عملی آن‌ها ضرورت دارد (نظری و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۱۲-۱۱۳). استنباط مبانی فلسفی رفتارهای شهدا در جهت معرفی آنها به عنوان قهرمانان ملی راهگشاست. علی‌رغم اهمیت و جایگاه وصیت‌نامه شهدا، پژوهش‌های صورت گرفته در این حوزه اندک و منحصر به برخی از موضوعات کلیشه‌ای و تکراری پیرامون شهداست. دبیری (۱۳۹۴) در پایان نامه خویش تحت عنوان «تحلیل زیبایی‌شناسی وصیت‌نامه شهدای کهکلیوئیه» صرفاً به جنبه زیبایی‌شناختی وصیت‌نامه شهدا از حیث کاربرد صناعات ادبی پرداخته است. مشایخی (۱۳۹۶) در پایان‌نامه «تجلی عرفان در وصیت‌نامه شهدا» به این نتیجه رسیده است که شهدا به یک مبدأ که همان مقام تجلی صفات الهی توجه داشته‌اند. میرزایی (۱۴۰۰)

در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل مؤلفه‌های معنویت و اخلاق در وصیت‌نامه شهدای فرهنگی استان ایلام مبتنی بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی»، دو عامل اخلاق و معنویت را در وصیت‌نامه این شهدا تحلیل نموده است. امیرمظاهری و همکارانش (۱۳۹۹) با پژوهش «مقایسه پابندی به مضامین ارزشی وصیت‌نامه شهداء دفاع مقدس و سبک زندگی خانواده شهدا» به تحلیل مضمون این دو فاکتور پرداخته‌اند. نظری و همکارانش (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «کشف مبانی فلسفی آموزه‌های تربیتی وصیت‌نامه شهدای دانشجوی» به تبیین بعد هستی‌شناختی و ارزش‌شناختی آموزه‌های تربیتی وصیت‌نامه شهدای دانشجو توجه نموده‌اند. از دیدگاه اعتمادزاده و همکارانش (۱۳۹۵) در مقاله «بررسی دیدگاه تربیتی شهداء جنگ تحمیلی استان کرمانشاه به استناد وصیت‌نامه آنها» دیدگاه تربیتی شهدا، هدفمند و مبتنی بر آموزه‌های اسلامی است. ربیعی و همکارانش (۱۳۹۲) با مقاله «تحلیل گفتمان وصیت‌نامه شهدای جنگ تحمیلی» به بررسی پنجاه وصیت‌نامه برگزیده از رزمندگان دفاع مقدس پرداخته‌اند و مضامینی چون شهادت‌طلبی و استکبارستیزی را تحلیل نموده‌اند.

در تبیین ابعاد وصیت‌نامه شهید سلیمانی تاکنون هیچ اثر مکتوبی نگاشته نشده است. لذا این ضرورت احساس می‌شود که یکی از شیوه‌های شناخت و معرفی شخصیت و شیوه و راه شهید حاج قاسم سلیمانی، بررسی وصیت‌نامه این شهید والامقام است. بالاخص در شرایط کنونی جامعه

که برخی از نوجوانان و جوانان جامعه ما با بحران هویت مواجه شده‌اند، معرفی مبانی و اصول عقلی و ارزشی وصیت‌نامه ایشان در جهت عمق بخشیدن به باورهای دینی و هویت‌یابی افراد جامعه ضرورت دارد. در این راستا سعی بر این است که مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی آموزه‌ها و تعالیم تربیتی وصیت‌نامه شهید استنباط و تبیین شود.

۱- چیستی مبانی فلسفی

کلمه «مبانی» جمع «مبنا» است و از ریشه‌ی «بنا» مشتق شده است. معنای لغوی این واژه، پایه، اساس، بنیاد و زیرساخت است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵۱۲-۵۰۶). معنای اصلی این واژه، زمینه‌سازی اجزاء، مواد و عناصر خاص به یکدیگر به منظور پیدایش ساختار ویژه با کیفیت خاص است. صرف‌نظر از اینکه آن ساختار، مادی یا معنوی باشد (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱: ۳۲۶). در واقع آنچه موجب پیدایش ساختار شیئی می‌شود، مبانی و پایه‌های آن هستند، لذا بنیادهای هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، ارزش‌شناختی و انسان‌شناختی که تعلیم و تربیت بر آنها استوار است، مبانی تربیت نام دارند (بهشتی، ۱۳۸۷: ۲۶). مقصود از مبانی در هر حوزه‌ای از علم، در واقع همان بدیهیات، مسلمات و مجموعه هست‌هایی است که آن علم مبتنی بر آنهاست. اگر مبانی و اصول هر علمی به نحو صحیح استنباط و فهم شود، می‌توان معیارهای متقن و مستحکمی از آن استخراج و بر پایه همان اصول و معیارها، برنامه‌ریزی کرد.

در واقع پرداختن به اصول و مبانی یک علم یا موضوع، امریست ضروری که سبب تبیین کامل آن موضوع و همچنین موجب مصون ماندن از آسیب‌های فراروی آن علم خواهد شد (یعقوبی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۰۴). اساسی‌ترین مبانی فلسفی عبارتند از مبانی هستی‌شناختی، مبانی معرفت‌شناختی، مبانی انسان‌شناختی و ارزش‌شناختی. فلسفه به موضوعات و مسائلی مانند هستی‌شناسی با دو زیر مجموعه جهان‌شناسی و انسان‌شناسی، ارزش‌شناسی با دو زیر مجموعه خالق‌شناسی و زیبایی‌شناسی و مسأله معرفت‌شناسی می‌پردازد (نیک‌صفت، ۱۴۰۱: ۷). مبانی در تربیت عبارت از مجموعه گزاره‌های توصیفی ناظر به توانایی‌ها و استعدادها موجود در انسان به منظور شکوفاسازی و پرورش آن استعدادها در راستای تربیت است (فرمهبینی فراهانی، ۱۳۹۸: ۴۷). در واقع تربیت امری معرفتی، درونی و وجودی است. فرایندی مستمر و مداوم است که غالباً از

درون فرد نشأت گرفته تا این که به کمال مطلق نزدیک شود (همان: ۲۷۱). مبانی تربیت در وصیت‌نامه شهید حاج قاسم سلیمانی مجموعه مسلمات و زیرساخت‌هایی است که از نحوه جهان‌بینی و نگرش این شهید والامقام نسبت به خدا، انسان و جهان بدست می‌آید. لذا مهم‌ترین این مبانی که برخی از مقوله هستی‌شناختی، عده‌ای زیرمجموعه مبانی معرفت‌شناختی و بخش عمده‌ای هم مبانی انسان‌شناختی و ارزش‌شناختی می‌باشند، را از وصیت‌نامه این شهید کشف و شرح نموده‌ایم.

۱-۱- مبانی هستی‌شناختی

هستی‌شناسی و متافیزیک از سویی «مادر علوم» به شمار می‌آید و از طرفی کلید حل مسائل بنیادی در زندگی انسان می‌باشد. مسائلی که نقش کلیدی در سرنوشت انسان و سعادت و شقاوت اخروی وی دارند (مصباح یزدی، ۱۴۰۰، ج ۱: ۲۵۳). لذا حقیقت هستی، جلوه‌ها و روابط کلی موجودات در این حوزه از فلسفه مورد کنکاش واقع می‌گردد. هستی‌شناسی به منزله برجسته‌ترین مسأله از مسائل جهان‌بینی، عهده‌دار پاسخ به پرسش‌های بنیادین ناظر به هستی، مبدأ هستی، جریان و مقصد هستی است. بررسی احکام و قوانین حاکم بر هستی نیز بخش دیگری از مسائل هستی‌شناسی را دربر می‌گیرند. پرسش‌هایی نظیر «آیا بر جهان سنت‌های ضروری و لا‌یتغیر حاکم است؟»، «آیا هستی منحصر در عالم ماده است؟» «رابطه هستی و انسان چگونه است؟»، «نیروی هدایتگر هستی کیست و چگونه به هدایت هستی می‌پردازد؟» جایگاه هستی‌شناسی را در میان مسائل بنیادین جهان‌بینی نشان می‌دهند. این اندیشه‌ها و باورهای بنیادین، افکار و فعالیت‌های انسان را تحت تأثیر قرار داده و جهت‌گیری نظری و عملی او را تعیین می‌نماید (نجفی و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۹۹). نوع نگرش فیلسوفان در دنیا نسبت به واقعیت و هستی با یکدیگر متفاوت است. برخی با دید معنوی به جهان می‌نگرند و جهان اطراف را مظه‌ری از یک واقعیت مجرد می‌دانند. از نظر این گروه غایت و هدف تلاش انسان در امر تربیت، نیل به اهداف معنوی است. در مقابل، بعضی از فلاسفه واقعیت نهایی را امری مادی می‌دانند. در کنار این دو بینش، واقع‌گرایی دینی قرار دارد که جهان را مرکب از ماده و روح و نشأت گرفته از خدای متعال معرفی می‌کند. در واقع اختلاف اهداف این سه گروه، معلول تفاوت در مبانی هستی‌شناختی آنهاست (شریعتمداری، ۱۳۸۴: ۱۱۴).

۱- مبنای مخلوق بودن هستی: با رویکرد واقع‌گرایی دینی نسبت به هستی، مبانی هستی‌شناختی به گونه‌ای متفاوت از سایر دیدگاه‌ها لحاظ می‌شوند. در این نگرش، پدیده‌های عالم امری بیرونی و خارج از ذهن انسان هستند، به همین دلیل وجود خارجی آنها در ذهن نمی‌گنجد (طباطبایی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۲۸). بنابراین ورای ذهن انسان، اشیاء و پدیده‌های متعین و موجود در این جهان هستی، وجود خارجی دارند. هم‌چنین علت تامه و اصلی به وجود آورنده و هستی‌بخش همه‌ی این پدیده‌ها خداوند متعال (واجب‌الوجود) است. هستی پدیده‌ها، معلول وجود خداوند است و به این لحاظ پدیده‌های عالم وجود مستقلاً ندارند (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱). هستی ذومراتب و اعم از موجودات مادی و مجرد است. این عالم منحصر به جهان مادی و طبیعت نمی‌باشد. همه موجودات به سبب ممکن‌الوجود بودن مخلوق و آفریده علتی هستند که در ذات خویش بی‌نیاز از هر علتی است و این علت که تمام موجودات ممکن بدان وابسته و معلول او هستند، همان واجب‌الوجود یا خداوند متعال است. در واقع ماسوی‌الله مخلوق و آفریده خداوند است، زیرا ویژگی اصلی این مخلوقات ممکن‌الوجود بودن آنها و عدم ضرورت وجود برای آنهاست. «خداوندا! سر من، عقل من، لب من، شامه من، گوش من، قلب من، همه اعضا و جوارح در همین امید به سر می‌برند؛» (وصیت‌نامه شهید سلیمانی). این عبارات وصیت‌نامه دلالت بر مخلوق بودن انسان دارد که به سبب مخلوق بودن، میل و امید به وصال الهی به عنوان علت و خالق در این اعضا و جوارح وجود دارد.

۲- مبنای اوصاف الهی: برای این که بتوانیم از مبانی وجودشناختی در موضوع و عناصر تربیت دینی بهره‌مند شویم باید صفات خداوند هم‌چون علم، قدرت، رحانیت، حکمت، خالقیت، رزاقیت، ربوبیت، عدالت و... را مدنظر قرار دهیم زیرا از جهتی این اوصاف به انسان به عنوان فعل خداوند مرتبط می‌شوند و از سوی دیگر عمده مسائل انسان نیز به برنامه و مسیر زندگی مربوط می‌گردد (نجفی و دیگران، همان: ۲۰۲). خداوند متعال علاوه بر این که هستی‌بخش و خالق نظام هستی است، دارای اوصاف دیگری چون قدرت، ربوبیت (رب‌العالمین)، قیومیت، رحمانیت، یگانگی و.. است که شهید سلیمانی برخی از این اوصاف جمال و کمال الهی را ذکر نموده است. «خداوندا! ای قادر عزیز و ای رحمان رزاق، پیشانی شکر شرم بر آستان می‌سایم که مرا در مسیر فاطمه اطهر و فرزندان در مذهب تشیع، عطر حقیقی اسلام، قرار دادی» (وصیت‌نامه شهید

سلیمانی). در این عبارات وصیت‌نامه شهید، خداوند متعال که مبدأ هستی نام دارد و تمام مخلوقات نشأه گرفته از وجود اوست، قادر مطلق و مبدأ روزی آنهاست. همچنین در تفکر شهید، بازگشت همه مخلوقات به سوی اوست و به عبارتی خداوند حکیم، مبدأ و معاد نظام هستی می‌باشد و همه موجودات شوق ذاتی در بازگشت به سوی او دارند. «من به امیدی از این شهر به آن شهر و از این صحرا به آن صحرا در زمستان و تابستان می‌روم. کریم، حبیب، به کرم دل بسته‌ام، تو خود می‌دانی دوست دارم. خوب می‌دانی جز تو را نمی‌خواهم. مرا به خودت متصل کن.» (وصیت‌نامه شهید سلیمانی).

۱- آموزه توحید و خدامحوری: مطابق این دو مبنای مطرح شده در وصیت‌نامه شهید سلیمانی می‌توان مدعی شد که خدامحوری و لزوم عبادت و اطاعت الهی از مهم‌ترین اصول تربیتی متناسب با این مبانی هستی‌شناختی است. در تربیت اساسی‌ترین هدفی که انسان باید در زندگی خود دنبال کند، اصل توحید است. توحید به معنای بازگشت به خداوند است و اسلام اساس تعلیم و تربیت خویش را در این اصل مهم تربیتی قرار داده است (طباطبائی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۳۶۰). گام اول در این زمینه شناخت وجود خداوند، اوصاف متعالی او و نسبت مخلوقات با خداوند و جایگاه خداوند در نظام هستی است. گام دوم، ایمان به خداوند به معنای باور به وجود واجب‌تعالی و تصحیح عمل متناسب با این باور است.

۳- مبنای باور به عالم غیب: جهان آخرت و هدایت‌گری انسان توسط نبی و امام: مبدأ و معاد در کنار نبوت و امامت از نخستین شالوده‌های هستی‌شناختی در تربیت اسلامی محسوب می‌شوند. مضاف بر این که ترسیم‌کننده سمت و سوی تربیت دینی هستند، بیانگر این واقعیتند که اگر استمرار و تداوم تربیت بر پایه این شالوده‌ها صورت گیرد، انسان به سرمنزل مقصود می‌رسد و به آرایه‌های تربیت مطلوب آراسته می‌گردد (هاشمی، ۱۳۸۸: ۳۰).

بنابراین مبدأ حقیقی عالم در تفکر و نظام تعلیم و تربیت اسلامی وجود باری تعالی است که برای هدایت انسان در مسیر صراط مستقیم، نبوت و امامت را قرار داده است. هدایت‌گرانی از جنس خود انسان، برای تربیت و رشد وی قرار داده است؛ «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ» (توبه: ۱۲۸) که انسان‌های کامل و دلسوزترین و مهربان‌ترین برای نوع بشر می‌باشند. شهید حاج قاسم سلیمانی در اولین بند وصیت‌نامه خود اشاره به

مهم‌ترین مبانی هستی‌شناختی نموده و این مبانی را با کلمه شهادت همراه نموده و به نوعی بر باور یقینی خویش نسبت به این مبانی صحه گذارده و می‌گوید: «اشهد أن لا اله الا الله و اشهد أن محمداً رسول الله و اشهد أن امیر المؤمنین علی بن ابی طالب و اولاده المعصومین اثنی عشر ائمتنا و معصومیننا حجج الله». «شهادت می‌دهم که قیامت حق است، قرآن حق است. بهشت و جهنم حق است. سوال و جواب حق است. معاد، عدل، امامت و نبوت حق است» (وصیت‌نامه شهید سلیمانی).

از منظر اسلام، در کنار مسأله توحید، نبوت و امامت، معاد و حیات پس از مرگ جزء اصول دین و وعده الهی است. «كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَ كُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (بقره: ۲۸). ایمان به معاد، شرط مسلمانی و از ارکان هستی‌شناختی دین اسلام است «وإنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ» (حجر: ۴۳). حقانیت معاد، قیامت و بهشت و جهنم از مبانی مهم هستی‌شناختی در وصیت‌نامه شهید سلیمانی محسوب می‌گردد.

۲- آموزه آخرت‌مداری و دخالت علل غیرمادی در تربیت: اگر انسان به این سطح از ادراک و شناخت نائل شود که حیات پس از مرگ و پاداش و جزای اخروی امری واقعی، حقیقی، تحقق‌پذیر و غیرقابل انکار است، در پیشگاه وجود حق تعالی که همه نظام هستی را وجود اصیل او پر کرده است، مرتکب رفتار، گفتار و عمل ناشایست نمی‌شود و دائماً قادر مطلق و عالم بی‌همتا را ناظر بر بینش و منش خویش دانسته و حیات اخروی را بخش اصلی و مهم عالم دانسته و جز در مسیر کمال، سعادت و رشد و تعالی خویش گام برنمی‌دارد. لذا توجه به مسأله معاد و حقانیت قیامت یک مبانی مهم هستی‌شناختی است که در تربیت و اصلاح رفتارهای متربی تأثیرگذار است.

۴- مبانی فقر ذاتی هستی و عین ربط بودن تمام شئون هستی به خداوند: به لحاظ وجودشناسی، جهان هستی افزون بر داشتن درجات و مراتب متعدد (دنیا، برزخ و آخرت) دارای ویژگی‌هایی چون فناپذیری، متناهی بودن، متغیر و وابسته بودن، عین ربط به خداوند بودن و دارای فقر ذاتی است. آنچه جایگاه فقر و وابستگی است، همان وجود معلول می‌باشد. (طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۲۶). وابستگی اصالتاً از آن وجود معلول است. بنابراین مخلوقات در ذاتشان نیازمند خالق هستند و آن‌گاه که وجود آن‌ها با خداوند که علت‌شان است، سنجیده شود، وجود رابط و موجود فی‌غیره می‌باشند (همان: ۲۷) و نیاز عین وجود آن‌هاست و ربط به علت در ذات وجود

معلول نهفته است. خدای متعال به عنوان وجود اصیل و واقعی به اقتضای وصف حکمتش همه مخلوقات را هدفمند خلق نموده است.

بنابراین منحصر نبودن دنیا به عالم ماده و پذیرش جهان ماوراءطبیعت و فناپذیری جهان طبیعت به همراه وابسته بودن به خداوند و داشتن فقر ذاتی هم از مبانی مهم هستی‌شناختی تربیت به شمار می‌آیند. «ای خدای عزیز و ای خالق حکیم بی‌همتا! دستم خالی است و کوله‌پشتی سفرم خالی، من بدون برگ و توشه‌ای به امید ضیافت عفو و کرم تو می‌آیم. من توشه‌ای برنگرفته‌ام؛ چون فقیر [را] در نزد کریم چه حاجتی است به توشه و برگ؟!» (وصیت‌نامه شهید سلیمانی). درواقع فقر ذاتی انسان و همه مخلوقات از مهم‌ترین مبانی هستی‌شناختی اندیشه اسلامی محسوب می‌گردد. لازمه باور به نیازمندی وجودی و حقیقی انسان، پذیرفتن اصالت وجود خداوند و غنی‌بالذات بودن او است.

حضرت علی(ع) در ابتدای نامه به فرزند خویش تأکید بر ضعف وجودی انسان نموده و می‌فرماید: «از پدری در آستانه فنا و معترف به گذشت زمان که عمرش روی در رفتن دارد و تسلیم گردش روزگار شده، نکوهش‌کننده جهان، جای گیرنده در سرای مردگان... (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱). شهید سلیمانی که یک ژنرال و فرمانده شجاع، قوی و بی‌بدیل نظامی بود، به کرات در وصیت‌نامه خویش بر موضوع نیازمندی مطلق انسان به خداوند، ضعف و ناتوانی وجودی انسان و تعلق و عین ربط بودن انسان به خداوند تأکید نموده است و اقرار می‌نماید: «من توشه‌ای برنگرفته‌ام؛ چون فقیر [را] در نزد کریم چه حاجتی است به توشه و برگ؟! عزیز من! جسم من در حال علیل شدن است. خدایا وحشت همه وجودم را فرا گرفته است. من قادر به مهار نفس خود نیستم، رسوایم نکن» (وصیت‌نامه شهید سلیمانی).

«خداوندا! در دستان من چیزی نیست؛ نه برای عرضه [چیزی دارند] و نه قدرت دفاع دارند. خداوندا! پاهایم سست است، رمق ندارد. جرأت عبور از پلی که از جهنم عبور می‌کند، ندارد. من در پل عادی هم پاهایم می‌لرزد، وای بر من و صراط تو که از موازک تر است و از شمشیر بُرنده‌تر» (وصیت‌نامه شهید سلیمانی).

شهید سلیمانی در وصیت‌نامه پیوسته از خداوند متعال می‌خواهد که هرچه زودتر و در نهایت طهارت باطنی به او پیوندد و دائم در طلب وصل به خداوند و بازگشت به مبدأ هستی است. این که

انسان به این باور می‌رسد که خالق بی‌همتا در اوج پاکی او را پذیرا باشد و عطش فراوان برای وصل به این وجود بی‌نهایت را دارد، ناشی از معرفت عمیق و باطنی وی به هستی و محور هستی یعنی خداوند متعال است. خداوند! یا ارحم الراحمین! مرا بپذیر؛ پاکیزه بپذیر؛ آن‌چنان بپذیر که شایسته دیدارت شوم. جز دیدار تو را نمی‌خواهم، بهشت من جوار توست، یا الله! (وصیت‌نامه شهید سلیمانی). در مسیر تربیت باید مسأله جایگاه وجودی خداوند و نحوه وجود و صفات متعالی وی در نظام هستی، هم‌چنین فقر وجودی همه مخلوقات بالاخص انسان و نیاز ذاتی و فطری انسان برای متصل شدن به وجود بی‌نهایت و مطلق ذات احدیت به گونه‌ای تبیین شود که شوق مربی برانگیخته و طالب این فضیلت باشد زیرا این باور از مبانی اساسی و مهم تربیت محسوب می‌شود. با تغییر نگرش مربی به نظام هستی ناخودگاه زمینه‌سازی جهت ایجاد ایمان و آرامش و تغییر رفتارهای اختیاری در وجود او فراهم می‌گردد که این موضوع در امر تربیت جایگاه ویژه‌ای دارد.

۵- مبنای فطرت الهی انسان: یکی از زیرمجموعه‌های مهم هستی‌شناسی، مباحث انسان‌شناسی می‌باشد. مسائل و موضوعات انسان‌شناسی مقدم بر بسیاری از مباحث مرتبط با تربیت می‌باشند. در واقع مبانی انسان‌شناختی زیرمجموعه مبانی هستی‌شناختی در حوزه فلسفه قرار دارند. انسان موجودی است که مخلوق خداوند، دارای روح الهی، جانشین او، شاهکار آفرینش و دارای گرایش‌های فطری به خداوند است (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۶۳). به استناد آیات شریفه‌ی قرآن کریم، انسان موجودی است که متفاوت و متمایز از سایر موجودات خلق شده است. «ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مومنون: ۱۴). بر همین اساس شناخت انسان و ابعاد وجودی او از مهم‌ترین مسائل تعلیم و تربیت محسوب می‌گردد. فی‌الواقع عناصر تعلیم و تربیت، اهداف، اسلوب، عوامل موثر و مانع از تربیت به گونه‌ای ناظر به موقعیت و شیوه‌ی نگرش ما به انسان و مسائل مرتبط با حوزه‌ی انسان‌شناسی می‌باشد.

در هستی‌شناسی اسلامی، همه انسان‌ها دارای فطرت الهی هستند. فطرت، نوع خاصی از آفرینش است که انسان را به درک و شناخت حقایق، خیر، نیکی و ارزش‌های انسانی سوق می‌دهد و زمینه و بستر گرایش آدمی به ایمان و ارزش‌های اخلاقی را فراهم می‌آورد (هاشمی، ۱۳۸۸: ۱۴). «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ» (روم: ۳۰). یکی از ویژگی‌های انسان‌های بزرگ و تأثیرگذار بر تربیت دیگران، تأکید و توجه آنها به مسأله فطرت

انسان‌ها است. شهید سلیمانی در وصیت‌نامه خود تأکید بر فطرت انسان‌ها نموده و بیان می‌دارد: در زندگی به انسانیت و عاطفه‌ها و فطرت‌ها بیشتر از رنگ‌های سیاسی توجه کردم. (وصیت‌نامه شهید سلیمانی) شاید همین مبنای تربیتی او یکی از عوامل مهم برای مبارزات فراملی و فرامنطقه‌ای او برای نجات انسان‌های مظلوم بود.

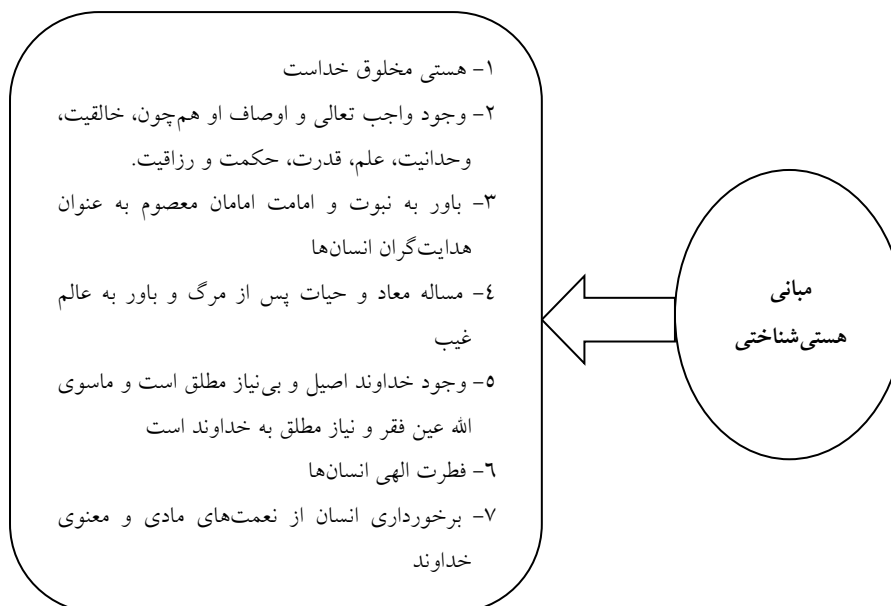
انسان بر اساس فطرت الهی‌اش، خواهان کمال و در تکاپوی رسیدن به سعادت (قرب الهی) است که این قرب الهی مطلوب نهایی انسان است و در مسیر تکامل بدان نائل می‌شود. بنابراین یک اصل مهم و بنیادین هستی‌شناختی در تربیت، همانا توجه به فطرت خداجوی انسان‌ها و زنده کردن این میل باطنی در وجود انسان‌هاست. انسان مقرب همه استعدادهای ذاتیش با حرکت اختیاری که بیانگر حق انتخاب اوست به فعلیت رسیده است (مصباح یزدی، ۱۳۸۷: ۷۶). انسان برخوردار از فطرت الهی، خداوند را برتر از خود دانسته و در مقابل او خضوع دارد (مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ۳۶) و رنگ خدا را برتر از همه رنگ‌ها دانسته و در تمام جهت‌گیری‌های خود به این موضوع عنایت دارد. شهید سلیمانی در مسائل سیاسی، اسلام و مقدسات اسلامی را رنگ خدا دانسته و تأکید دارد که رنگ خدا را بر هر رنگی ترجیح دهید (وصیت‌نامه شهید سلیمانی).

۳- آموزه تأسی به شهدا به عنوان الگوهای اخلاقی: شهید حاج قاسم سلیمانی، شهدا را کسانی می‌داند که در مسیر قرب الهی به مطلوب خویش نایل آمده‌اند، لذا آنها را بهترین الگوی تربیتی و محور کرامت انسان‌ها معرفی نموده است زیرا به فطرت درونی خویش لبیک گفته و به سعادت حقیقی نائل آمده‌اند. ایشان در وصیت‌نامه می‌فرماید: شهدا، برای همیشه محور عزت و کرامت همه ما هستند. اینها به دریای واسعه خداوند سبحان اتصال یافته‌اند. آنها را در چشم، دل و زبان خود بزرگ ببینید، همان‌گونه که هستند. فرزندان‌تان را با نام آنها و تصاویر آنها آشنا کنید.

۶- توجه به نعمت‌های الهی: یکی از مهم‌ترین مسائل و موضوعات انسان‌شناسی که اهمیت ویژه‌ای در زمینه تربیت دارد و از مهم‌ترین مبانی هستی‌شناختی مؤثر در تربیت نامیده می‌شود، توجه انسان به نعمت‌های الهی است. خدای متعال به اقتضای ذات ربوبی و رحمانی و رزاقیتش، انسان‌ها را از نعمت‌های فراوان مادی و معنوی برخوردار نموده است. ماهیت بسیاری از این نعمت‌ها به گونه‌ای هست که به دلیل در دسترس بودنشان، انسان توجه چندانی به آنها نداشته و در اغلب موارد از آنها غافل می‌باشد. یکی از این نعمت‌ها بهره‌مندی انسان از وجود والدین

صالح و پرورش در سایه پدر و مادر سالم، مومن و اخلاق مدار است. شهید در وصیت‌نامه خویش، به زیبایی و با بیان عارفانه و تأثیرگذار به این نعمت الهی اشاره نموده و می‌فرماید: «خداوند، تو را سپاس که مرا از پدر و مادر فقیر، اما متدین و عاشق اهل بیت و پیوسته در مسیر پاکی بهره‌مند نمودی. از تو عاجزانه می‌خواهم آنها را در بهشت و با اولیاءت قرین کنی و مرا در عالم آخرت از درک محضرشان بهره‌مند فرما.» از دیگر نعمت‌های الهی که خداوند به ما انسان‌ها عنایت نموده است، آشنایی و انس با معصومین و خاندان مطهر و معصوم نبی مکرم اسلام (ص) است. وجود اهل بیت و ائمه معصومین (ع) گوهر نابی است که گفتار، رفتار و محبت آنها راه میانبری در پیمودن مسیر انسانیت و تربیت مطلوب است.

سلوک عملی شهید سلیمانی نشانه توجه عمیق و باور قلبی ایشان به واسطه‌های فیض و رحمت الهی است و در وصیت‌نامه خویش با این تعابیر این محبت و انس را به تصویر کشیده است: «خداوند! ای قادر عزیز و ای رحمان رزاق، پیشانی شکر شرم بر آستان می‌سایم که مرا در مسیر فاطمه اطهر و فرزندان در مذهب تشیع، عطر حقیقی اسلام، قرار دادی و مرا از اشک بر فرزندان علی بن ابی طالب و فاطمه اطهر بهره‌مند نمودی؛ چه نعمت عظمایی که بالاترین و ارزشمندترین نعمت‌های است؛ نعمتی که در آن نور است، معنویت، بقراری که در درون خود بالاترین قرارها را دارد، غملی که آرامش و معنویت داد.» (وصیت‌نامه شهید سلیمانی).



۲-۱- مبانی معرفت‌شناختی

شاخه‌ای از فلسفه که سابقه زیادی در تاریخ علوم ندارد، مباحث شناخت‌شناسی است (مصباح یزدی، ۱۴۰۰، ج ۱: ۱۴۰). امکان معرفت و واقع‌نمایی آن از اصول موضوعه و پیش‌فرض‌های معرفت‌شناسی است (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱۳: ۲۱) و در لغت به مطلق آگاهی و علم، معرفت گفته می‌شود. اعم ازین که متعلق آن، امور حسی باشد یا امور ورای حس و یا این که معرفت با واسطه باشد یا بی‌واسطه. معرفت درجه اول باشد یا این که معرفت درجه دوم باشد (حسین‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۱). معرفت از آن جهت که معرفت است، احکامی دارد و این احکام سبب پیدایش علم معرفت‌شناسی عام گردیده است (فعالی، ۱۳۷۹: ۳۰). از علم معرفت‌شناسی تعاریف گوناگونی ارائه شده است اما در یک جمله می‌توان گفت که «معرفت‌شناسی علم توجیه باورهاست» (همان: ۲۹). از آنجا که مفهوم شناخت شامل هر نوع ادراک و آگاهی‌ای می‌شود، در بخش شناخت‌شناسی مسائل فراوانی مطرح می‌گردد (مصباح یزدی، همان: ۱۴۹). مسائلی از قبیل وحی، الهام، علم حضوری و تأملات عرفانی که به برخی از آن‌ها می‌پردازیم.

هم‌چنین یکی از اقسام معرفت‌شناسی، معرفت‌شناسی دینی است که معرفت‌های دینی را بررسی می‌کند. این قسم از معرفت‌شناسی ارتباط وثیقی با برخی از علوم چون روان‌شناسی، فلسفه دین و تعلیم و تربیت دارد و بررسی ارتباط آنها مجالی دیگر می‌طلبد. در حیطه تعلیم و تربیت، معرفت‌شناسی به طور عام و معرفت‌شناسی دینی به طور خاص نقش ویژه‌ای دارند. یکی از پیش‌نیازهای فرایند تربیت انسان، کاوش در مبانی معرفت‌شناختی آن است زیرا از اقدامات اولیه تغییر و تربیت آدمی، تغییرات شناختی است. مبانی معرفت‌شناختی تعلیم و تربیت اسلامی، گزاره‌های توصیفی یا اخباری‌اند که محمول‌های خاصی را برای موضوع اصلی این گزاره‌ها (شناخت) اثبات می‌کنند (بهشتی، ۱۳۸۵: ۱۰۴).

۱- مبانی معرفت قلبی (علم حضوری): یکی از مسائل اساسی معرفت‌شناسی موضوع ارزش شناخت انسان و نقش علم حضوری در معرفت است. در علم حضوری، معرفت بدون وساطت مفاهیم ذهنی است که در آن، حقیقت علم، عالم و معلوم عین یکدیگرند. به عبارت دیگر اتحاد عقل، عاقل و معقول تحقق می‌یابد (طباطبائی، ۱۳۸۱، ج ۳: ۵۱). از موضوعات معرفت‌شناسی دینی، هم می‌توان ایمان را نام برد (همان: ۴۳).

مسئله ماهیت ایمان، رابطه ایمان با معرفت و نقش معرفت در بالندگی ایمان مورد توجه معرفت‌شناسان است. هم‌چنین ابزارهای معرفت دینی، نقش احساس و ادراک در رشد معرفت و تأثیر عوامل غیرمعرفتی و عوامل معرفتی بر معرفت دینی در معرفت‌شناسی دینی مطرح و مورد بحث می‌باشند. در حقیقت مبانی معرفت‌شناختی تفکر انسان عامل موثری بر رفتارها و کنش‌های وی در زندگی است. بالاخص نقش این مبانی در تربیت قابل توجه است. شهدا آگاهانه راه پرافتخاری را انتخاب کرده و آگاهی آنها ریشه در مبانی فکری و روایتگر مبانی و ملاحظات عمیق معرفت‌شناختی آنهاست (نظری و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۱۱). برخی از مهم‌ترین مبانی معرفت‌شناختی وصیت‌نامه شهید سلیمانی، مسئله ایمان و ارتباط آن با معرفت یقینی است.

عبارات و الفاظ بکاررفته در وصیت‌نامه شهید سلیمانی حاکی از تأکید ایشان بر نقش معرفت قلبی، علم حضوری و عرفان عملی است. «معبود من، عشق من و معشوق من، دوست دارم. بارها تو را دیدم و حس کردم، نمی‌توانم از تو جدا بمانم. بس است، بس. مرا بپذیر، اما آن‌چنان که شایسته تو باشم.» (وصیت‌نامه شهید سلیمانی)

۲- نقش عوامل معرفتی بر معرفت: هم‌چنین نقش معنویت و گریه بر اهل بیت پیامبر(ع) در سعادت و هدایت انسان به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل معرفت‌شناختی موثر در تربیت، در وصیت‌نامه شهید سلیمانی بسیار چشمگیر است. «همراه خود دو چشم بسته آورده‌ام که ثروت آن در کنار همه ناپاکی‌ها، یک ذخیره ارزشمند دارد و آن گوهر اشک بر حسین فاطمه است؛ گوهر اشک بر اهل بیت است؛ گوهر اشک دفاع از مظلوم، یتیم، دفاع از محصور مظلوم در چنگ ظالم.» (وصیت‌نامه شهید سلیمانی) شهید سلیمانی گریه بر اهل بیت پیامبر(ص) را عظیم‌ترین و گوهری‌ترین نعمت الهی می‌داند که در مسیر قرب الهی بهترین یاور وی و تسهیل‌کننده مسیر حرکت وی بوده است.

«خداوند! ای قادر عزیز و ای رحمان رزاق، پیشانی شکر شرم بر آستان می‌سایم که مرا در مسیر فاطمه اطهر و فرزندان در مذهب تشیع، عطر حقیقی اسلام، قرار دادی و مرا از اشک بر فرزندان علی‌بن ابی‌طالب و فاطمه اطهر بهره‌مند نمودی؛ چه نعمت عظمایی که بالاترین و ارزشمندترین نعمت‌هاست؛ نعمتی که در آن نور است، معنویت، ببقاراری که در درون خود بالاترین قرارها را دارد، غمی که آرامش و معنویت داد.» (وصیت‌نامه شهید سلیمانی). در عرصه تعلیم و تربیت باید ضمن بیان جایگاه ائمه اطهار(ع) در نظام هستی و نقش کلیدی آن‌ها در مسیر هدایت انسان‌ها، آثار و فواید گریه بر مصائب آن‌ها و زنده نگه داشتن نام و یاد آن‌ها، سبب ایجاد نور ایمان، معنویت و آرامش در وجود فرد می‌شود. در همین راستا گریه بر شهدا و گرامیداشت یاد و خاطره آن‌ها، آثار و برکات معنوی و مادی فراوانی در حیطه تعلیم و تربیت دارد. بالاخص در شرایط کنونی جامعه که بسیاری از نوجوانان و جوانان بدلائل متعددی استرس را تجربه کرده و مبتلا به آن هستند.

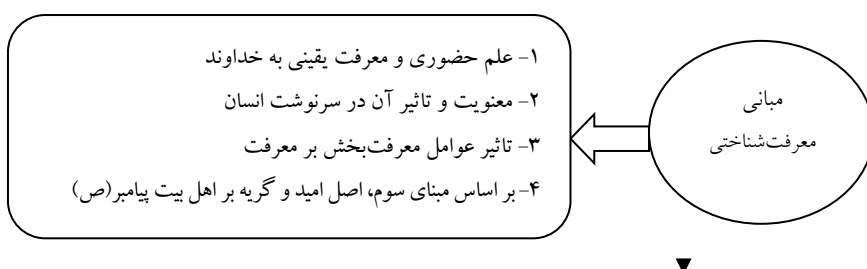
۱- آموزه تربیتی امید: بر مبنای تأثیر عوامل معرفت‌شناختی بر معرفت می‌توان مدعی شد که بر اساس وصیت‌نامه شهید، اصل تربیتی امید، نقش مهمی در تربیت انسان دارد. شهید سلیمانی در وصیت‌نامه به زیبایی هرچه تمام و با عبارات عارفانه مسأله امید را بیان نموده و می‌فرماید: «سارِق، چارِقَم پر است از امید به تو و فضل و کرم تو» (وصیت‌نامه شهید سلیمانی) مفهوم امید در بسیاری از آیات قرآن کریم با مشتقات واژه «رجاء» (عنکبوت: ۵)، «عی» (أعراف: ۲۹، مائده: ۵۲) و «لعل» (طه: ۴۴) آمده است. افزون بر این، مفهوم امید در آیات فراوان دیگری که خداوند متعال را با

اوصاف «رحیم»، «غفور» و «تواب» معرفی نموده و در آیات مشتمل بر وعده‌های الهی ذکر شده است. امید اثر مهمی در تربیت انسان، ایجاد آرامش روحی و روانی و تحمل مشکلات و سختی‌های مسیر کمال و رشد وی دارد. «ای خدای عزیز و ای خالق حکیم بی‌همتا! دستم خالی است و کوله‌پشتی سفرم خالی، من بدون برگ و توشه‌ای به امید ضیافت عفو و کرم تو می‌آیم.» (وصیت‌نامه شهید سلیمانی).

یکی از روش‌های قرآن کریم در جهت تقویت روحیه انسان و پایداری وی، استفاده از کلید واژه امید و شیوه امیدآفرینی است. «فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسُكَ وَحَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَكُفَّ بَأْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا» (نساء: ۸۴). یک امیدی به من نوید می‌دهد که ممکن است نلرزم، ممکن است نجات پیدا کنم. من با این پاها در حرمت پا گذارده‌ام، دور خانه‌ات چرخیده‌ام و در حرم اولیاءت در بین‌الحرمین حسین و عباست آنها را برهنه دواندم و این پاها را در سنگرهای طولانی، خمیده جمع کردم و در دفاع از دینت دویدم، جهیدم، خزیدم، گریستم، خندیدم و خنداندم و گریستم و گریاندم؛ افتادم و بلند شدم. امید دارم آن جهیدن‌ها و خزیدن‌ها و به حرمت آن حریم‌ها، آنها را ببخش (وصیت‌نامه شهید سلیمانی). امیدواری به لطف خدا سبب الگوپذیری از اسوه‌های شایسته می‌شود. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ» (أحزاب: ۲۱). امید به خداوند متعال در تربیت و اصلاح افراد خطاکار نقش بسزایی دارد. «وَكُورَ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا» (نساء: ۶۴).

امید عامل مهم و موثر در ایجاد انگیزه برای انسان است و در تصحیح سبک زندگی، باورها و رفتارهای انسان نقش اساسی ایفا می‌کند. «فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَكُلُوا مِنْهُ بِلَا عِلْمٍ» (بقره: ۱۸۶). خداوند! در دستان من چیزی نیست؛ نه برای عرضه [چیزی دارند] و نه قدرت دفاع دارند، اما در دستانم چیزی را ذخیره کرده‌ام که به این ذخیره امید دارم و آن روان بودن پیوسته به سمت تو است. وقتی آنها را به سمت بلند کردم، وقتی آنها را برایت بر زمین و زانو گذاردم، وقتی سلاح را برای دفاع از دینت به دست گرفتم؛ اینها ثروت دست من است که امید دارم قبول کرده باشی (وصیت‌نامه شهید سلیمانی). در حقیقت منطق قرآن امیدآفرینی و ایجاد انگیزه در انسان‌هاست و در عرصه تربیت باید به انحاء مختلف این مبنای مهم و اساسی را در فکر،

عمل و رفتار افراد نهادینه کرد تا ضمن حرکت در مسیر تعالی و رشد، قادر به تحمل رنج‌ها و سختی‌های زندگی باشند. ایمان به هدف و راه از اصول مهم معرفت‌شناختی تربیت در اندیشه شهید سلیمانی است.



۱-۳- مبانی ارزش‌شناختی

یکی از مبانی فلسفی و متعلق ادراک عملی عقل نظری که چهارمین هدف واسطه‌ای تربیت عقلانی به شمار می‌آید، مبانی ارزش‌شناختی است (بهشتی، ۱۳۸۹: ۱۶۲). مقصود از مبانی ارزش‌شناختی، مباحث پیرامون ماهیت ارزش‌ها و نحوه ادراک و اعتباربخشی آنها و نیز بخشی از گزاره‌های مربوط به مصادیق ارزش‌های معتبر و نحوه تحقق آنها بر اساس جهان‌بینی است (آقامحمدی، ۱۳۹۶: ۸). مبانی دینی و ارزش‌شناختی غالباً جنبه نظری و عقلی داشته و اغلب از قرآن، روایات و متون دینی استخراج شده‌اند. حال این سوال مطرح می‌گردد که ارزش‌ها و آرمان‌های ما چه اوصافی دارند و بر اساس توصیفی که از ارزش‌های خود داریم، چه مبنایی برای آنها می‌توان در نظر گرفت؟

۱- مبنای اعتباری بودن ارزش‌ها: یکی از مهم‌ترین مبانی ارزش‌شناختی آموزه‌های تربیتی شهید سلیمانی اعتباری بودن ارزش‌ها و ناظر بودن آنها به واقعیت است. اعتباری بودن ارزش‌ها ریشه در تقسیم‌بندی علامه طباطبایی از انواع ادراکات انسان دارد. ایشان ادراکات آدمی را به دو دسته حقیقی و اعتباری تقسیم نموده است. ادراکات حقیقی، مفاهیمی هستند که مابه‌ازای خارجی دارند و «انکشافات و انعکاسات ذهنی واقع و نفس‌الامر است» (طباطبایی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۱۴۳)

اما ادراکات اعتباری «ذهن به منظور رفع احتیاجات حیاتی خد ساخته و پرداخته است و جنبه وضعی، قراردادی و اعتباری دارند» (همان). گزاره‌های ارزشی، قضایای تجویزی هستند که مابه‌ازای خارجی ندارند بلکه اعتبار عقل هستند و با وجود اعتباری بودن، ناظر به واقعیات عینی هستند. براساس این مبنای ارزش‌شناختی، اصل اخلاقی و تربیتی رسیدن به حیات طیبه معنا پیدا می‌کند. پشتوانه این اصل اخلاقی، ناظر به واقع بودن ارزش‌های اخلاقی است. در مسائل تربیتی ارزش‌ها انواع و مراتب مختلف دارند و به شکل سلسله مراتبی با غایت اصیل زندگی انسان (قرب الهی) ارتباط دارند.

هم‌چنین حیات طیبه، مفهومی یکپارچه و کلی است که همه ابعاد فردی و اجتماعی زندگی انسان را در بر می‌گیرد و شئون گوناگونی دارد که در ارتباط و تعامل با همدیگر و با محوریت شأن اعتقادی، عبادی و اخلاقی، آن را محقق می‌سازند (آقامحمدی، ۱۳۹۶). اخلاص، عدالت، شکرگزاری، معنویت توأم با عمل صالح، خدمت به مردم و... از اساسی‌ترین ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی محسوب می‌گردند. این ارزش‌ها سازنده چارچوب حیات طیبه انسان و سوق دهنده وی به سوی قرب الهی است. حیات طیبه‌ای که شهید سلیمانی بدان معتقد و پایبند بود، مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی (فردی و اجتماعی) متعددی بود. برخی از این ارزش‌ها را به راحتی می‌توان از وصیت‌نامه‌اشان استنباط نمود.

۲- مبنای ثبات و تغییر ارزش‌ها: برخی از ارزش‌ها مطلق‌اند و برخی ضمن این که مطلق‌اند اما مشروط به شرایط هستند (شریعت‌مداری، ۱۳۶۹: ۱۵۹-۱۵۸). ارزش‌های تربیتی همچون اخلاص از نوع مطلقند اما ارزش‌های چون مخفی نمودن زهد یا راستگویی ضمن ارزشمند بودنشان، دارای شرایط خاصی هستند و لذا باید در آموزش به متریب این مرزبندی لحاظ گردد.

۳- مبنای حفظ و ارتقاء کرامت انسان‌ها: یکی دیگر از مبانی ارزش‌شناختی تربیت در وصیت‌نامه شهید سلیمانی این است که اولاً انسان‌ها دارای کرامت ذاتی هستند. «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسرا: ۷۰) و این کرامت به سبب داشتن عقل و فطرت الهی آن‌هاست. «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصَّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يُعْقِلُونَ» (انفال: ۲۲). ثانیاً کرامت انسان مشروط به حفظ منزلت انسانی و آلوده نکردن آن با معصیت و رزایل اخلاقی است. ثالثاً در تربیت باید حرمت و کرامت افراد حفظ شود و زمینه رشد و ارتقاء عقل و فطرت انسانی فراهم شود که رشد ارزش‌های اخلاق و تقویت آن‌ها

در وجود انسان‌ها از زمینه‌های مهم حفظ کرامت انسان‌هاست و به تعبیر قرآن کریم «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ» (حجرات: ۱۳).

این که گفته می‌شود اعتبار ارزش‌های حقیقی بر واقعیت‌های مربوط به عمل آدمی و نتایج آن تکیه دارد، خود از مبانی ارزش‌شناختی تربیت است. معنویت و عبادت به عنوان یکی از مهم‌ترین اصول ارزش‌های تربیتی، از ضرورت‌های زندگی فردی و اجتماعی انسان محسوب می‌گردد و از مهم‌ترین معیارهای تعیین هدف در زمینه تربیت است. انسان عاشق کمال مطلق یا ذات حق تعالی است زیرا در عمق وجودش این عشق نهفته است منتهی راه را برخی از انسانها گم می‌کنند و پیامبران برای نشان دادن راه درست و برحذر داشتن از راه نادرست مبعوث شده‌اند (میرزایی و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۶۳). در همین راستا اسلام تأکید زیادی بر مسأله ارزشهای اخلاقی نموده است. ۳- خداوند خیر مطلق است. از دیگر مبانی ارزش‌شناختی تربیت در وصیت‌نامه شهید سلیمانی خیرخواهی خداوند است. در واقع اعتباریابی و اعتبارسازی در ارزش‌ها ناظر به خیرخواهی علی‌الاطلاق خداوند متعال است.

خدای متعال سرچشمه تمام خوبی‌هاست و تمام خیرات و برکات و نیکی‌ها در دست اوست. «يَذِكُ الْخَيْرُ» (آل عمران: ۲۶) در تفسیر این آیه آمده است که عبارت «يَذِكُ الْخَيْرُ» ناظر به این امر است که در جهان هستی شری وجود ندارد و این ما انسان‌ها هستیم که خیرات را مبدل به شر می‌کنیم و اگر می‌گویید: خیر تنها به دست توست و از شر سخنی نمی‌گویید به خاطر آن است که شری از ذات پاک او صادر نمی‌شود. بر این اساس باید‌ها و نبایدهای رفتاری افراد یک جامعه زمانی از ارزش برخوردار است که بر اساس فرامین الهی باشد زیرا متعال که خیر محض است، تکالیفش به خیر و صلاح انسان‌هاست و از سوی دیگر این فرامین با واقعیت وجودی انسان سازگاری دارند.

۱- آموزه تربیتی شکرگزاری: یکی از مهم‌ترین ارزش‌های اخلاقی مورد تأکید شهید سلیمانی که از آموزه‌های ارزشی تربیت به شمار می‌رود، مسأله شکر و شکرگزاری خداوند متعال است. اساساً شکر خداوند متعال، حاصل توجه به نعمت‌ها، لطف، عنایت، رحمت و خیرخواهی اوست که اثر بسیار سازنده‌ای در تربیت انسان دارد. یکی از نعمت‌هایی که شهید سلیمانی به سبب برخورداری از آن خدای متعال را شکر و سپاس نموده است، توفیق قرار گرفتن در مسیر اهل بیت

معصومین (ع) است. ایشان به دلیل سرباز ولایت بودن و درک اولیاء برجسته الهی در عصر غیبت امام زمان (عج)، خدای متعال را شکر نموده و می‌فرماید: «خداوندا! تو را سپاس که مرا صلب به صلب، قرن به قرن، از صلبی به صلبی منتقل کردی و در زمانی اجازه ظهور و وجود دادی که امکان درک یکی از برجسته‌ترین اولیاء را که قرین و قریب معصومین است، عبد صالحت خمینی کبیر را درک کنم و سرباز رکاب او شوم.

اگر توفیق صحابه رسول اعظم محمد مصطفی را نداشتم و اگر بی‌بهره بودم از دوره مظلومیت علی بن ابی طالب و فرزندان معصوم و مظلومش، مرا در همان راهی قرار دادی که آنها در همان مسیر، جان خود را که جان جهان و خلقت بود، تقدیم کردند.» (وصیت‌نامه شهید سلیمانی). خداوندا! تو را شکر گزارم که پس از عبد صالحت خمینی عزیز، مرا در مسیر عبد صالح دیگری که مظلومیتش اعظم است بر صالحیتش، مردی که حکیم امروز اسلام و تشیع و ایران و جهان سیاسی اسلام است، خامنه‌ای عزیز - که جانم فدای جان او باد - قرار دادی (وصیت‌نامه شهید سلیمانی).

از دیگر نعمت‌هایی که شهید به واسطه داشتن آن خدای متعال را شکر و آن نعمت را در وصیت‌نامه ذکر نموده است، هم‌نشینی و دوستی با انسان‌های صالح و تربیت‌یافته مطابق اندیشه توحیدی است. اهمیت دوست و هم‌نشین و نقش انکارناپذیر او در زندگی انسان و شکل‌گیری شخصیتش بر کسی پوشیده نیست. حضرت رسول مهربانی‌ها (ص) یکی از راه‌های شناخت دین و مذهب افراد را، شناخت دوستان آن‌ها دانسته‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴: باب ۱۴، حدیث ۱۲).

هم‌چنین نخستین راه قضاوت درباره شخصیت افراد، شناخت دوستان آنهاست. تأثیر دوست و اثر وضعی معاشران بر روح و روان انسان به گونه‌ای است که حضرت علی (ع) می‌فرمایند: با انسان‌های بدخواه معاشرت نکن، چرا که طبع تو ناآگاهانه از طبع او می‌پذیرد (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۷، ج ۲۰، کلمه ۱۴۷: ۲۷۲). بنابراین نقش دوست و تأثیر شگرف وی در شخصیت انسان در مسائل تعلیم و تربیت بسیار حائز اهمیت است. «پروردگارا! تو را سپاس که مرا با بهترین بندگان در هم آمیختی و درک بوسه بر گونه‌های بهشتی آنان و استشمام بوی عطر الهی آنان را - یعنی مجاهدین و شهدای این راه - به من ارزانی داشتی» (وصیت‌نامه شهید سلیمانی).

۲- **آموزه تربیتی اخلاص:** یکی دیگر از ارزش‌های اخلاقی مهم در زمینه تربیت، اصل مهم ارزش‌شناختی اخلاص است. یکی از اهداف آفرینش انسان، عبادت و بندگی خداوند است. «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶). عبادت همراه با تسلیم خداوند، متضمن اخلاص است. پابندی به ارزش‌های اخلاقی و بالاخص عبادت توأم با اخلاص زمینه ایجاد تقوا را فراهم می‌کند. معنویت حالتی است که در آن، انسان حس بندگی و تقرب به خداوند را دارد. در اثر این تقرب، جز خداوند، طوق بندگی هیچ موجودی را به گردن نمی‌نهد. چنین درکی از معنویت برخاسته از تعقل و تعبد است. قرآن کریم از چنین معنویتی تعبیر به «حیات طیبه» نموده است که همان پاکی ذات و ایمان است و بقایش وابسته به عمل صالح می‌باشد (طباطبایی، بی‌تا، ج ۴: ۸۲). گستره حیات طیبه شامل زندگی دنیوی و اخروی است و تنها شرط رسیدن به حیات طیبه این است که انسان همواره در سایه خدا زندگی کند. انسان دارای حیات طیبه تحت ولایت خداوند قرار گرفته و از ذلت حیات حیوانی در امان است. این حیات همان حیات «حیات حسنه» برای جامعه است و در آن، همه افراد از مزایای نعمت‌های زمینی برخوردار و شریک هستند (طباطبایی، همان، ج ۱۰: ۱۳۶).

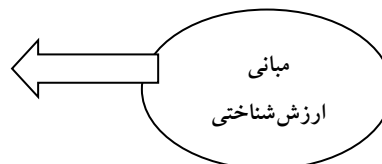
لذا این معنویت توأم با اخلاص (حیات طیبه) از ارزش‌های مهم مورد توجه شهید سلیمانی بوده است. اخلاص به عنوان یکی از مهم‌ترین اصول ارزش‌شناختی تفکر دینی در رفتار، گفتار و منش شهید سلیمانی نمود بارز و چشم‌گیری داشت. به گونه‌ای که هر کس با شهید برخورد و معاشرت داشت، معنویت همراه با اخلاص را ویژگی بارز حاج قاسم می‌دانست. اخلاص شهید سلیمانی در وصیت‌نامه همانند رفتار، منش، گفتار و سکنت شهید بسیار مشهود است. «خداوند! در دستان من چیزی نیست؛ نه برای عرضه [چیزی دارند] و نه قدرت دفاع دارند. (وصیت‌نامه شهید سلیمانی) برادران و خواهران عزیز ایرانی من، مردم پرافتخار و سربلند که جان من و امثال من، هزاران بار فدای شما باد» (وصیت‌نامه شهید سلیمانی).

«دفاع از اسلام نیازمند هوشمندی و توجه خاص است. در مسائل سیاسی آنجا که بحث اسلام، جمهوری اسلامی، مقدسات و ولایت فقیه مطرح می‌شود، اینها رنگ خدا هستند؛ رنگ خدا را بر هر رنگی ترجیح دهید» (وصیت‌نامه شهید سلیمانی).

۳- **آموزه تربیتی خدمت به مخلوقات الهی:** یکی از ارزش‌ها و اصول مهم انسان‌شناختی تربیت، خدمت به خلق است. خدمت به انسان‌ها از ارزشهای والای انسانی است. اولیاء الهی در طول حیات بابرکت خویش بر نجات مردم حریص و غمخوار گرفتاری، سعادت و رشد آنها بودند. خدمت به مردم از چنان جایگاهی برخوردار است که در برخی آیات قرآن و روایات، در کنار ایمان به خدا از بالاترین خصلت‌های انسانی است. امام حسن عسکری (ع) می‌فرماید: «خَصْلَتَانِ كَيْسَ فَوْقَهُمَا شَيْءٌ: الْإِيْمَانُ بِاللّٰهِ، وَنَفْعُ الْاُخْوَانِ» (حرانی، بی‌تا، ۴۸۹).

شهید سلیمانی خود را سرباز در خانه هر مسلمانی می‌بیند که در معرض خطر است و بیان می‌دارد: دوست دارم خداوند این قدرت را به من بدهد که بتوانم از تمام مظلومان عالم دفاع کنم. به طور کلی یکی از مسوولیت‌های اجتماعی هر انسانی انجام وظیفه نسبت به مردم و بی‌تفاوت نبودن نسبت به امورات آنهاست. شهید سلیمانی خودش را جان‌فدای ملت ایران می‌داند و آنها را پاره تن خویش خطاب می‌نماید. «برادران و خواهران عزیز ایرانی من، مردم پرافتخار و سربلند که جان من و امثال من، هزاران بار فدای شما باد. عزیزان! من بنا به تقدیر الهی امروز از میان شما رفته‌ام. من شما را از پدر و مادرم و فرزندان و خواهران و برادران خود بیشتر دوست دارم، چون با شما بیشتر از آنها بودم؛ ضمن اینکه من پاره‌تن آنها بودم و آنها پاره وجود من، اما آنها هم قبول کردند من وجودم را نذر وجود شما و ملت ایران کنم» (وصیت‌نامه شهید سلیمانی).

- ۱- اعتباری بودن ارزشها و ثبات و تغییر در ارزش‌ها
- ۲- اصل کرامت انسان و حفظ و ارتقاء کرامت انسان‌ها
- ۳- خیرعلی‌الاطلاق بودن
- ۴- متناسب با این مبانی عقلی، ارزشهای اخلاقی و تربیتی چون توجه به حیات طیبیه، اخلاص، معنویت و عمل صالح، شکر و خدمت به مردم اهمیت می‌یابد.



جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مبانی مورد نظر این نوشتار مبانی فلسفی است که می‌توان گفت، این مبانی شامل رویکردهای کلی نسبت به خدا، جهان و انسان می‌شود. خدای متعال که مربی حقیقی انسان‌هاست، همواره مصادیقی از انسان کامل را به مثابه بهترین اسوه‌های آدمی در مسیر کمال و رشد آنها قرار داده است تا روند تکامل وجودی انسان‌ها با معرفت به این مصادیق و تولی و تأسی به ایشان، به وجه مطلوب صورت پذیرد. شهید حاج قاسم سلیمانی نمونه عینی از اسوه‌های اخلاقی در مسیر رسیدن به رشد، تربیت و نایل شدن به هدف نهایی آفرینش است. علاوه بر سیره عملی و رفتاریش، وصیت‌نامه ایشان بدلیل معرفت یقینی و باطنی وی مشتمل بر مضامین و معارف فلسفی، اخلاقی و تربیتی عمیقی می‌باشد. در بحث مبانی وجود شناختی می‌توان مدعی شد که خداشناسی، اثبات و شناخت وجود و صفات خداوند به گونه‌ای که انسان بداند صرفاً خداوند متعال وجود مستقل و غیررابطی دارد و سایر موجودات وجودشان عین ربط به خدا است و انسان دارای فقر وجودی و عین نیاز مطلق به خداوند است، تأثیر شگرفی در تحول نظام فکری و رفتاری متربی دارد.

در حیطه مبانی وجودشناختی تربیت، دادن این آگاهی به متربی که وجودش فقیرمحض و هر آن، نیازمند به وجود غنی بالذات است و خداوند مظهر عشق و محبوب حقیقی انسان است، زمینه‌ساز رشد استعدادها و گام نهادن در مسیر صحیح انسانیت و قرب الهی است. در وصیت‌نامه شهید سلیمانی، حقانیت قیامت، بهشت و جهنم و قرآن از اصول موضوعه وجودشناختی است که اصل مهمی در جهت معنابخشیدن به زندگی انسان‌هاست. انسان فطرتی الهی دارد که قابل فعلیت یافتن و شکوفایی است و با اراده خویش می‌تواند به کرامتی دست یابد که در سطح خویش به میزان اسوه بودنش در جهت تکامل شخصیت انسان‌ها، در تربیت مؤثر واقع گردد و خلیفه خداوند در روی زمین باشد.

نقش قلب مطمئن، علم حضوری، امید و پروراندن عشق الهی در وجود انسان در کنار گریه بر ائمه اطهار(ع) به لحاظ معرفت‌شناختی در سیر تربیت انسان‌ها راهگشاست و وحی مهم‌ترین منبع معرفت انسان است. وصیت‌نامه شهید والامقام حاج قاسم سلیمانی به لحاظ ارزش‌شناختی بازتاب ارزش‌های اخلاقی زیادی می‌باشد. ارزشهایی چون اخلاص، تواضع، داشتن روحیه شکرگزاری.

در کنار توجه به معنویت، تقوی و کمک به بندگان خداوند و عدول نکردن از اصول، در نظام فکری و عملی شهید سلیمانی در وصیت‌نامه مشهود است.

نتایج پژوهش حاکی از آن است که برای اصلاح روش‌های تربیتی در جامعه، معرفی شهدا به عنوان اسوه‌های تربیتی، بالاخص هویت‌بخشی نسل جوان و ایجاد امید و انگیزه در آنها، توجه جدی به مسائل زیر در تألیف منابع مرتبط با تربیت و در روش‌های تربیتی مؤثر در جامعه ضرورت دارد. ۱- بیان مکرر و برجسته ساختن وجود و صفات خداوند به صورت نظری و عملی توسط مربیان و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت. ۲- ترویج ارزشهای اخلاقی بالاخص اخلاص و امید ۳- تأکید بر مسأله خداشناسی بالاخص تعلق هستی به خداوند و ضعف و فقر وجودی انسان ۴- برجسته نمودن موضوع فناپذیری دنیا و بقای حیات اخروی با توجه به بعد روحانی انسان ۵- نهادینه کردن فرهنگ و روحیه جهاد با نفس و جهاد فی سبیل الله ۶- اهمیت دادن به حقوق دیگران (خانواده، مردم و...) ۷- تأکید بر نقش اراده و اختیار و فطرت پاک انسان در سرنوشت وی ۸- ترویج روحیه شکرگزاری نعمت‌های الهی و طلب حلالیت و بخشش از دیگران (اعم از والدین و متریان) ۹- وحی رابه عنوان مهم‌ترین منبع شناخت دانستن ۱۰- اسوه‌سازی و معرفی شهدا بالاخص شهید حاج قاسم سلیمانی به عنوان الگوی جامع اخلاقی و تربیتی پرورش یافته در مکتب اهل بیت پیامبرگرامی اسلام (ص) و پیاده کردن سیره عملی ایشان که در تربیت آحاد جامعه و افزایش ایمان و امید به آینده و هویت‌یابی نسل جدید تأثیرگذار است.

فهرست منابع

- قرآن.
- نهج‌البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم: دارالعلم.
- آقامحمدی، جواد، (۱۳۹۶)، تربیت اسلامی در نظام تعلیم و تربیت: ضرورت تبیین مبانی، اهداف و شاخص‌ها، پژوهشنامه تربیت تبلیغی، سال ششم: شماره ۱۷، ص ۵.
- ابن ابی الحدید، (۱۳۸۷)، شرح نهج‌البلاغه، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، الثانيه..
- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، محقق جمال الدین میردامادی، بیروت: دارالفکر.
- بهشتی، محمد، (۱۳۸۷)، مبانی تربیت از دیدگاه قرآن، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.
- بهشتی، سعید، (۱۳۸۹)، تأملات فلسفی در تعلیم و تربیت، تهران: نشر بین‌الملل.
- ، (۱۳۸۵)، «مبانی معرفت‌شناختی تعلیم و تربیت اسلامی با تأکید بر حکمت متعالیه صدرایی»، فصلنامه روان‌شناسی تربیتی، دوره ۲: شماره ۳، ۱۲۰-۱۰۱.
- جواد آملی، عبدالله، (۱۳۸۶)، تفسیر انسان به انسان: نظریه جدید پیرامون معرفت‌شناسی انسان، قم: نشر اسراء.
- ، (۱۳۸۷)، تفسیر موضوعی قرآن کریم، قم: نشر اسراء.
- حسین زاده، محمد، (۱۳۸۵)، مبانی معرفت دینی، قم: مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، چاپ یازدهم.
- حسینی سیقانی، حسینعلی، (۱۳۶۴)، تحفه الشهداء، مشهد: سعدی.
- حرانی، ابن شعبه، (بی‌تا)، تحف العقول، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: موسسه نشر اسلامی.
- دبیری، مینا، (۱۳۹۴)، تحلیل زیباشناختی وصیت‌نامه شهدای کهکلیویه و بویر احمد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب.
- شریعتمداری، علی، (۱۳۸۴)، اصول و فلسفه تعلیم و تربیت، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- صوفی، مریم، (۱۳۸۰)، فرهنگ فارسی معلم، تهران: انتشارات جاجرمی، چاپ اول.
- طباطبائی، محمدحسین، (۱۳۷۹)، نهایه‌الحکمه، ترجمه و شرح علی شیروانی، تهران: انتشارات الزهرا.
- ، (۱۳۷۸)، بدایه‌الحکمه، ترجمه و شرح غلی شیروانی، تهران: انتشارات الزهرا.
- ، (بی‌تا)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ، (۱۳۷۷)، اصول فلسفه و روش رئالیسم (۲)، مقدمه و پاورقی شهید مرتضی مطهری، تهران: انتشارات صدرا.
- عمید، حسن، (۱۳۸۹)، فرهنگ فارسی عمید، تهران: انتشارات اشجع، چاپ اول.
- فرههینی فراهانی، محسن، (۱۳۹۸)، تربیت در نهج‌البلاغه، تهران: نشر آییز، چاپ دوم.

- فعالی، محمدتقی، (۱۳۷۹)، درآمدی بر معرفت‌شناسی دینی و معاصر، قم: نشر معارف، چاپ دوم.
- مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۴۰۰)، آموزش فلسفه، تهران: نشر بین‌الملل، چاپ نوزدهم.
- مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۸۶)، معارف قرآن ۱، خداشناسی، قم: موسسه آموزشی-پژوهشی امام خمینی (ره).
- مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۸۷)، مشکات، مجموعه آثار (خودشناسی برای خودسازی)، قم: موسسه آموزشی-پژوهشی امام خمینی (ره).
- مصطفوی، حسن، (۱۳۶۰)، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۶)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- میرزایی، لیلی، سعید بهشتی و محسن ایمانی نائینی، (۱۳۹۸)، بررسی تحلیلی مبانی ارزش‌شناختی تعلیم و تربیت اسلامی از منظر استاد مطهری به منظور تدوین الگوی مدرسه‌ی مطلوب، پژوهش‌های اخلاقی، شماره ۳، سال نهم، صص ۲۷۶-۲۵۹.
- نجفی، حسن، ملکی، حسن، سبحانی‌نژاد، مهدی و مصباح، علی، (۱۴۰۱)، مبانی الهیاتی برنامه درسی هویت دینی، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۵۵، سال ۳۰، تابستان، صص ۲۳۱-۱۹۳.
- Dor: 20.1001.1.22516972.1401.30.55.7.4
- نظری، محمود، محمدرضا سرمدی، مهران فرج‌الهی و زهره اسمعیلی، (۱۳۹۸)، کشف مبانی فلسفی آموزه‌های تربیتی وصیت‌نامه شهدای دانشجوی دفاع مقدس، نشریه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۴۴، سال ۲۷، آبان ماه، صص ۱۳۷-۱۱۱.
- Dor: 20.1001.1.22516972.1398.27.44.5.9
- نیک‌صفت، ابراهیم، (۱۴۰۱)، معرفت‌شناسی، تهران: دانشگاه پیام نور، چاپ اول.
- هاشمی، سیدمحمدحسین، (۱۳۸۸)، چیستی و اهداف تربیت، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۵۹ و ۶۰.
- یعقوبی، محمدطاهر و نجمه دوستکام، (۱۳۹۵)، تبیین مبانی هستی‌شناختی و انسان‌شناختی تربیت بر پایه سوره مومنون، الهیات قرآنی، شماره ۷، سال چهارم، صص ۱۲۹-۱۰۳.

